

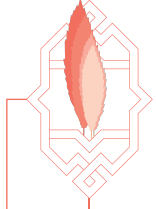
The role and function of waqf in the development and sustainability of public benefit buildings in villages

Arezu Feizinejad*

Abstract

Providing financial resources for the establishment and maintenance of public benefit buildings has always been one of the most important challenges and concerns of rulers and people in any society. Waqf, as one of the best ways to finance such buildings, are of particular importance; this importance is especially evident in rural communities that were less well-regarded by government structures. The present study, based on waqf nameh documents and with a descriptive-analytical approach, seeks to answer the question of what effect income from moqfat allocated to public and public benefit buildings in villages has on the development and sustainability of these buildings. The research results show that despite the allocation of a small portion of rural moqfat to the establishment and maintenance of public buildings such as mosques, schools, baths, Ab-anbar (traditional subterranean water cistern), aqueducts, and caravanserais, the income from waqf has been one of the main financial sources for the creation and operation of such buildings. Also, buildings that had dedicated moqfat had a stronger and more stable physical structure. The amount of income from these moqfat and the way their revenues were managed by trustees and supervisors directly affected the degree of sustainability or destruction of public benefit buildings.

Keywords: waqf, Development, civic structures, rural area, waqf deed



دور وأثر الأوقاف في تطوير واستدامة المباني العامة في القرى

آرزو فيضى نجاد*

الخلاصة

لطالما كان توفير الموارد المالية لإنشاء وصيانة المباني العامة أحد أهم التحديات والمخاوف التي تواجه الحكام والشعوب في أي مجتمع. يُعد الوقف ذا أهمية خاصة باعتباره أحد أفضل الطرق لتمويل مثل هذه المباني، وتتجلى هذه الأهمية بشكل خاص في المجتمعات الريفية التي لم تحظ باهتمام كبير من قبل المنظومات الحكومية. تسعى الدراسة الحالية، التي تستند إلى وثائق الوقف وبنهج وصفي تحليلي، إلى الإجابة على سؤال ما هو تأثير الدخل من الأوقاف المخصصة للمباني العامة وغير الربحية في القرى على تطوير واستدامة هذه المباني. تُظهر نتائج البحث أنه على الرغم من تخصيص جزء صغير من الأوقاف الريفية لإنشاء وصيانة المباني العامة مثل المساجد والمدارس والحمامات وخزانات المياه والقنوات المائية والخانات، إلا أن الدخل من الأوقاف كان أحد المصادر المالية الرئيسية لإنشاء وتشغيل هذه المباني. كذلك، تميزت المباني التي حظيت بأوقاف مخصصة ببنية مادية أقوى وأكثر استقراراً. وكان لحجم الدخل الناتج عن هذه الأوقاف، وكيفية إدارة إيراداتها من قبل الأمناء والمشرفين التأثير المباشر على درجة استقرار المباني العامة أو اندثارها..

مصطلحات مفتاحية: : الوقف، التنمية، المباني العامة، القرية، رسالة الوقف.

*. حاصل على درجة الماجستير في الجغرافيا والتخطيط الريفي من جامعة خوارزمي، ووزير التعليم في ملارد.

a.feyzinejad20@gmail.com

نقش و کارکرد وقف در توسعه و پایداری بناهای عام‌المنفعه در روستاها



آرزو فیضی‌نژاد*

چکیده

تأمین منابع مالی برای تأسیس و نگهداری بناهای عام‌المنفعه همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های حکمرانان و مردم در هر جامعه‌ای بوده است. وقف، به‌عنوان یکی از بهترین مجاری تأمین هزینه این‌گونه بناها، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ این اهمیت به‌ویژه در جوامع روستایی که کمتر موردتوجه ساختارهای حکومتی قرار می‌گرفتند، نمود بیشتری پیدا می‌کند. پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد وقف‌نامه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، در صدد پاسخگویی به این سؤال است که درآمد حاصل از موقوفات اختصاص‌یافته به بناهای عمومی و عام‌المنفعه در روستاها چه تأثیری بر توسعه و پایداری این بناها دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم اختصاص بخش اندکی از موقوفات روستایی به تأسیس و نگهداری بناهای عمومی مانند مسجد، مکتب‌خانه، حمام، آب‌انبار، قنات و کاروان‌سرا، عواید حاصل از وقف یکی از اصلی‌ترین منابع مالی برای ایجاد و بهره‌برداری از چنین بناهایی بوده است. همچنین، بناهایی که موقوفات اختصاصی داشتند، از ساختار کالبدی مستحکم‌تر و پایداری بیشتری برخوردار بودند. میزان درآمد این موقوفات و نحوه مدیریت عواید آنها توسط متولیان و ناظران، مستقیماً بر میزان پایداری یا تخریب بناهای عام‌المنفعه تأثیرگذار بود.

واژگان کلیدی: وقف، توسعه، بناهای عمومی، روستا، وقف‌نامه.



۱. مقدمه

توسعه پایدار در جوامع، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار مانند روستاها، همواره نیازمند زیرساخت‌های مناسب و بناهای عام‌المنفعه‌ای است که به بهبود کیفیت زندگی ساکنان و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند. تأمین منابع مالی لازم برای احداث، نگهداری و مرمت این تأسیسات، از دیرباز یکی از چالش‌های اساسی حکومت‌ها و سازمان‌های مدنی بوده است. در بسیاری از دوره‌های تاریخی، به‌خصوص در نواحی روستایی که تمرکز کمتری از سوی حکومت مرکزی بر آن‌ها وجود داشته، نهادهایی مانند وقف، نقشی حیاتی در تأمین مالی این زیرساخت‌ها ایفا کرده‌اند.

این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر شواهد موجود در اسناد وقف‌نامه‌ای، نقش و کارکرد وقف را به‌عنوان یک مکانیزم تأمین مالی در توسعه و پایداری بناهای عام‌المنفعه در روستاها بررسی کند. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه درآمدهای حاصل از موقوفات، بر پایداری کالبدی و عملکردی این بناها در بلندمدت تأثیر گذاشته است. بررسی این موضوع می‌تواند تصویری روشن‌تر از سازوکارهای تأمین مالی در مناطق روستایی و نقش نهادهای سنتی مانند وقف در بقای زیرساخت‌های حیاتی ارائه دهد.

این مقاله در بخش مبانی نظری به مفاهیم وقف و بناهای عام‌المنفعه و پیشینه پژوهش‌ها در این زمینه می‌پردازد. سپس، روش‌شناسی تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و استفاده از اسناد وقف‌نامه‌ای تشریح می‌شود. در ادامه، یافته‌های حاصل از تحلیل اسناد، شامل میزان اختصاص موقوفات، تأثیر درآمد آن‌ها بر تأسیس و پایداری بناها، و نقش مدیریت وقف، ارائه و تحلیل خواهد شد. در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق بیان می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. وقف و بناهای عام‌المنفعه

وقف در نظام حقوقی و اجتماعی جوامع اسلامی، به معنای حبس عین مال و اختصاص منافع آن برای مصارف خیریه و عام‌المنفعه است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۵۳۶؛ معین، ۱۳۸۷: ۱۱۸۳؛ عتیقی، ۱۳۸۸: ۳۶۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۷). این نهاد، با هدف ایجاد منافع مستمر و پایدار برای جامعه، یکی از کارآمدترین ابزارهای تأمین مالی در طول تاریخ اسلام بوده است (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۴۹-۴۷). بناهای عام‌المنفعه، شامل تأسیساتی می‌شوند که منافع

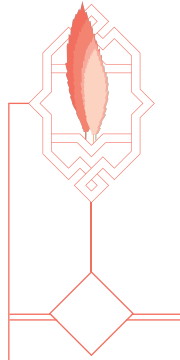
آن‌ها به عموم مردم یا بخش قابل توجهی از جامعه تعلق دارد و دربرگیرنده نیازهای اساسی آن‌هاست. در جوامع روستایی، این بناها غالباً شامل مساجد (به‌عنوان مرکز تجمع و عبادت)، مکتب‌خانه‌ها (برای آموزش)، حمام‌ها (بهداشت و نظافت)، آب‌انبارها (تأمین آب آشامیدنی)، قنات‌ها (آبیاری و تأمین آب)، کاروان‌سراها (تسهیل تجارت و رفت‌وآمد)، و در مواردی آسیاب‌ها و پل‌ها می‌باشند.

۲.۲. وقف به‌عنوان منبع تأمین مالی در مناطق روستایی

در حالی که وقف در شهرهای بزرگ غالباً برای بناهای باشکوه و نهادهای پیچیده‌تر استفاده می‌شد، در مناطق روستایی نیز این نهاد نقش مهمی در تأمین مالی زیرساخت‌های ضروری ایفا می‌کرد. با توجه به محدودیت منابع دولتی و توان مالی اندک اهالی روستا، موقوفات می‌توانستند تنها منبع پایدار برای احداث و نگهداری بناهایی باشند که بقای آن‌ها به‌صورت مداوم به سرمایه‌گذاری نیاز داشت. منافع حاصل از این موقوفات (مانند محصولات کشاورزی، اجاره املاک، یا درآمدهای حاصل از آسیاب‌ها و حمام‌های وقفی) مستقیماً به‌حساب نگهداری و تعمیر بناهای مورد نظر واریز می‌شد (ساکما، ش ۲۹۶/۵۸۳۵؛ ۲؛ رضایی، ۱۳۸۷: ۶/۱۷۵).

۲.۳. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به نقش وقف در جوامع اسلامی پرداخته‌اند، اما تمرکز بر تأثیر اقتصادی وقف بر ایجاد و پایداری بناهای عام‌المنفعه در جوامع روستایی، به‌ویژه با استناد به اسناد وقف‌نامه‌ای، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. پژوهش‌هایی که به بررسی وقف پرداخته‌اند، بیشتر بر جنبه‌های فقهی، تاریخی، یا اداری وقف متمرکز بوده‌اند. برخی مطالعات نیز به نقش حمایتی وقف از نهادهای آموزشی و مذهبی و بناهای عام‌المنفعه در شهرها اشاره کرده‌اند، به‌عنوان نمونه: اشرف‌السادات باقری در مقاله «کارکرد وقف و نقش آن در شکل‌گیری شهرهای اسلامی»، محمد کشاورز در مقاله «نقش موقوفات در ایجاد و ماندگاری اماکن عام‌المنفعه فرهنگی در بازار تهران»، محمود محمدی در مقاله «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی (برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی، راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه»، مسعود حیدرپور در مقاله «کارکرد اجتماعی وقف و بناهای عام‌المنفعه الگوی پایدار احسان در شهرسازی ایرانی - اسلامی: نمونه موردی مجموعه گنجعلی‌خانی



کرمان»، مفید شاطری در مقاله «وقف و بناهای عام‌المنفعه در قائنات» و فرشته ساکی و محمد جاوری در مقاله «نقش وقف در فرم‌دهی بافت شهری و حفظ و بقای آثار تاریخی، مطالعه موردی مجموعه علی‌قلی آقا در اصفهان»، به نقش موقوفات در ایجاد و نگهداری بناهای عمومی و عام‌المنفعه در شهرها پرداخته‌اند؛ اما تحلیل کمی یا کیفی مستقیم تأثیر درآمدهای وقفی بر دوام فیزیکی و عملکردی زیرساخت‌های روستایی موردتوجه قرار نگرفته و نیاز به بررسی اسنادی دقیق‌تر دارد. البته برخی از پژوهش‌ها به جنبه‌هایی از این موضوع در روستاها پرداخته‌اند، اما عمدتاً در استفاده از اسناد وقف‌نامه‌ای ضعیف عمل کرده‌اند. از جمله محمد فال سلیمان، محمد حجی‌پور و راضیه آرزومندان در مقاله «دیالکتیک وقف و توسعه با تأکید بر فضای روستایی»، لیدا خطیب در مقاله «وقف و نقش آن بر توسعه پایدار روستا». در برخی از تحقیقات هم به صورت تکنگاری، به تأثیر وقف در توسعه یک روستا تمرکز کرده‌اند. مثلاً علی‌اکبر عباسی در مقاله «تحلیل نقش موقوفه‌های زهان در توسعه پایدار روستایی» تنها به نقش وقف در توسعه پایدار روستای زهان اشاره کرده است. پژوهش حاضر با اتکا به اسناد وقف‌نامه‌ای، سعی در پر کردن این شکاف پژوهشی دارد و می‌خواهد نقش وقف در ایجاد و پایداری بناهای عام‌المنفعه در روستاها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش و کارکرد وقف در توسعه و پایداری بناهای عام‌المنفعه در روستاها می‌پردازد. جامعه آماری این تحقیق شامل اسناد وقف‌نامه‌ای مربوط به موقوفات روستایی است که منافع آن‌ها به بناهای عام‌المنفعه اختصاص یافته است.

۳.۱. منابع و داده‌ها

داده‌های اصلی این پژوهش از اسناد وقف‌نامه‌ای استخراج شده‌اند. این اسناد که غالباً در بایگانی‌های محلی، ملی، یا نزد خانواده‌های متولیان موقوفات نگهداری می‌شوند، حاوی اطلاعاتی حیاتی در خصوص: متولیان وقف: افرادی که مسئولیت اداره موقوفه و جمع‌آوری و مصرف عواید را بر عهده داشته‌اند.

رقبات موقوفه: املاک، مزارع، باغ‌ها، حمام‌ها، یا سایر منابع درآمدزایی که به وقف اختصاص یافته‌اند.

میزان درآمد و عواید: برآوردی از میزان درآمد سالانه یا دوره‌های حاصل از موقوفه. مصارف تعیین شده: شرحی از اینکه عواید حاصله باید صرف چه اموری (تأسیس، نگهداری، تعمیر، حقوق خادمان و...) گردد. شرایط خاص وقف: هرگونه قید و شرطی که واقف برای اداره و مصرف عواید تعیین کرده است.

۳.۲. جامعه و نمونه آماری

این پژوهش بر تعدادی از وقفنامه‌های موجود مربوط به دوره قاجار و پهلوی اول تمرکز دارد که به صورت مشخص منافع آن‌ها به بناهای عام‌المنفعه در روستاها اختصاص یافته است.

سازمان اوقاف و امور خیریه به منظور آگاهی علاقه‌مندان و غنی‌سازی منابع تحقیق، اسناد وقفی را بازخوانی و در ۷ جلد تحت عنوان فهرست اسناد موقوفات ایران منتشر نموده است. اگر چه این مجموعه کامل نیست و به بررسی تمامی استان‌های کشور نپرداخته است؛ اما به دلیل دشواری دسترسی به اسناد وقفنامه‌ها، بسیار مفید هستند. ضمن اینکه اطلاعات مندرج در این مجموعه، دقیق و زیر نظر معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه گردآوری شده است. اطلاعات لازم برای تدوین مقاله حاضر از اسناد مندرج در این مجموعه و همچنین تعدادی از وقفنامه موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران استخراج شده است. در مجموع، در این پژوهش، متن ۳۸۰ وقفنامه مربوط به دوره قاجار و پهلوی اول مورد بررسی قرار گرفته که از آن میان، تنها در ۲۲ وقفنامه، بخشی از درآمدهای وقف به بناهای عمومی و عام‌المنفعه اختصاص یافته است.

۴. یافته‌ها و تحلیل

بر اساس بررسی اسناد وقفنامه‌ای، نتایج زیر به دست آمد:

۴.۱. اختصاص اندک اما حیاتی موقوفات به بناهای عام‌المنفعه روستایی

اگرچه کل سهم موقوفات روستایی که مستقیماً به بناهای عام‌المنفعه اختصاص یافته بود، در مقایسه با کل موقوفات (که بخش عمده آن صرف امور مذهبی و عام‌المنفعه دیگر می‌شد)، درصد پایینی را تشکیل می‌داد، اما همین بخش اندک، نقشی حیاتی و انکارناپذیر در ایجاد و بقای این تأسیسات ایفا می‌کرد. بناهایی چون مساجد، مکتب‌خانه‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها، و قنات‌ها که در زندگی روزمره روستاییان نقشی اساسی داشتند، اغلب



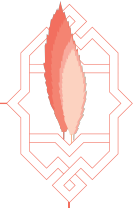
بدون پشتوانه مالی موقوفات قادر به دوام نبودند، خصوصاً در دوره‌هایی که حمایت‌های دولتی محدود یا نامنظم بود. از میان ۳۸۰ وقف‌نامه‌ای مربوط به دوره قاجار و پهلوی اول که مورد بررسی قرار گرفت، تنها در ۲۲ وقف‌نامه (۵/۷۸ درصد)، بخشی از عواید موقوفات به ایجاد، توسعه، تعمیر و نگهداری بناهای عام‌المنفعه اختصاص یافته است. مثلاً در یک وقف‌نامه مربوط به سال ۱۲۹۰ه.ق. سیده بانو و همسرش کربلایی میر یوسف، یک قطعه ملک مسکونی واقع در قریه ورده مشهور به جلو باغ (اوقاف ساوجبلاغ) را برای امور زیر وقف کرده‌اند: ۱. خمس منافع جهت حق‌التولیه، مابقی جهت مطلق خیرات و بر عموم مبرات از قبیل: ۲. تعمیر حمام و قناطر و مساجد ۳. تعزیه‌داری ۴. انفاق فقرا و سادات و مخارج زائرین ائمه علیهم‌السلام. (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۱). در این وقف‌نامه، واقف تعمیر بناهای عمومی روستا از قبیل حمام، مسجد و قنات را در زیر عنوان کلی خیرات و مبرات آورده است.

در برخی از وقف‌نامه‌ها، خیرات و مبرات یا امور عام‌المنفعه به‌عنوان همه یا بخشی از مصارف وقف در نظر گرفته شده، اما هیچ اشاره‌ای به جزئیات نشده است. در چنین مواردی تشخیص اینکه، آیا تأسیس و تعمیر بناهای عام‌المنفعه نیز جزو خیرات و مبرات مورد نظر واقف بوده است یا نه کار دشواری است. مثلاً در وقف‌نامه‌ای در سال ۱۲۲۸ه.ق. یک دانگ و نیم حکیم‌آباد کوچک مشهور به سبزی‌کار کوچک، دو دانگ و ربع دانگ از قریه میانبر با جمیع توابع آن و یک دانگ و نیم از شش دانگ قریه رزجرد قهپایه، به این صورت وقف شده که یک عشر بابت حق‌التولیه متولی پرداخت شود و بقیه برای برگزاری تعزیه سیدالشهدا علیه‌السلام، قرائت روزانه یک جزء قرآن، برگزاری جلسه قرائت قرآن در ایام رجب، شعبان و رمضان و اضافه درآمد صرف خیرات و مبرات شود (حاجیعباسی، رضایی و جعفرپور، ۱۳۸۷: ۵ / ۸۵-۸۶). یا اینکه در وقف‌نامه دیگری در سال ۱۲۹۵ه.ق. یک قطعه بند در کشمان قائنات به امور عام‌المنفعه اختصاص یافته و هیچ توضیح دیگری در مورد جزئیات آن نیامده است. البته در چنین مواردی، متولی وقف می‌توانست به تشخیص خود، بخشی از درآمد موقوفه مورد نظر را برای ایجاد و حفظ بناهای عمومی مثل مسجد و مکتب‌خانه اختصاص دهد. در برخی وقف‌نامه‌ها، به صراحت، تشخیص نوع خیرات را به عهده متولی می‌گذاشتند. مثلاً در وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۳۹ه.ق. واقف، بعد از اینکه یک چهارم منابع حاصل از یک ملک واقع در باغی را برای متولی اختصاص داده، در مورد بقیه منابع، چنین حکمی را صادر کرده است: «چهار خمس دیگر را متولی به

خیرات و مبرات صرف کند» (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۰). در اینجا تشخیص اینکه چه مواردی، از جمله تعمیر بناهای عام‌المنفعه همچون مسجد و حمام، شامل خیرات و مبرات می‌شود، بر عهده متولی است. البته در برخی از وقفنامه‌ها، ساخت و تعمیر بناهای عمومی به کلی جدا از خیرات و مبرات در نظر گرفته شده و در زیر مجموعه آن محسوب نشده است. مثلاً در وقفنامه‌ای مربوط به سال ۱۲۶۶ ه. ق. مصارف وقف به این صورت آمده است: ۱. دو عشر حق‌التولیه. ۲. یک عشر حق‌النظاره ۳. یک عشر به مصرف وجوه بر از خیرات و مبرات و صرف فقرا و مساکین، سادات و زوار شود. ۴. تعزیه‌داری. ۵. روشنائی مشاهد ائمه طاهرین علیهم‌السلام. ۶. تعمیر مساجد و مدارس و مرابط، قنوات و افطار روزه‌داران (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۴۵-۴۴۶). در این وقفنامه، با اینکه خیرات و مبرات به‌عنوان یکی از مصارف وقف در نظر گرفته شده، اما تعمیر مساجد و مدارس و قنوات به‌عنوان موارد مصرفی جداگانه‌ای قید شده‌اند.

در مورد میزان و نحوه اختصاص بخشی از درآمد حاصل از موقوفات به ایجاد و حفظ بناهای عمومی، توجه به این نکته ضروری است که در اغلب وقفنامه‌های بررسی شده، تأسیس و تعمیر بناهای عام‌المنفعه به‌عنوان یکی از مصارف وقف (در کنار دیگر مصارف) در نظر گرفته شده است و در کمتر وقفنامه‌ای، این مورد به‌عنوان تنها مصرف موقوفه بیان شده است. مثلاً در ۲۲ وقفنامه مورد نظر، تنها در ۶ مورد، یعنی حدود ۲۷٪ ساخت و تعمیر بناهای عمومی به‌عنوان تنها مورد مصرف عواید وقف در نظر گرفته شده است. به‌عنوان نمونه، در وقفنامه‌ای مربوط به ۱۲۵۹ ه. ق. کل عواید موقوفه‌ای در قریه مسکان واقع در جیرفت، به حمام و کاروان‌سرای روستا اختصاص یافته است (رضایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱-۴۰). در نمونه دیگری در سال ۱۲۳۹ ه. ق. بعد از جدا کردن حق متولی و ناظر که نصف درآمد حاصل از باغ وقفی کنار مسجد قریه سرآسیاب را شامل می‌شد، نصف دیگر برای روشنائی، فرش و مؤذن مسجد قریه سرآسیاب در نظر گرفته شده است (رضایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۰۲).

نکته دیگر اینکه، بخشی از عواید اختصاص یافته به بناهای عام‌المنفعه، به محیط خارج از روستا اختصاص می‌یافت و تأثیری در توسعه و پایداری روستاها نداشت. مثلاً در یک وقفنامه مربوط به سال ۱۳۱۴ ه. ش که شامل چندین مزرعه و باغ و کاروان‌سرا و غیره می‌شد، ۶۰ درصد درآمد به ساخت و تجهیز و نگهداری یک مدرسه اختصاص یافته بود: «و از شش عشر بقیه، مدرسه‌ای به نام مدرسه خیریه در شهر کرمان تأسیس شود



و پس از اتمام مدرسه مزبور شش‌ده‌مردم هم‌ساله پس از تعمیرات ضروری به مصرف تحصیل و تنظیم معیشت و ملبوس و اطفال بیضاعت و یتیم برسد.» (رضایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۷۲) همان‌طور که از متن وقف‌نامه برمی‌آید، این مدرسه، نه در روستاهایی که موقوفات در آنجا قرار داشت، بلکه در شهر کرمان ساخته می‌شود. چنین مواردی در وقف‌نامه‌های زیادی به چشم می‌خورد که در آنها، همه یا بخشی از درآمد حاصل از موقوفات واقع در روستاها، به ساخت و تعمیر مسجد، مدرسه، امامزاده و سایر مصارف در خارج روستاها و بخصوص در شهرها اختصاص می‌یافت و هیچ نقشی در توسعه و پایداری بناهای عام‌المنفعه روستاها ایفا نمی‌کرد.

۴.۲. تأثیر مستقیم درآمد موقوفات بر تأسیس و پایداری کالبدی بناها

یافته کلیدی این تحقیق نشان می‌دهد که میان میزان درآمد حاصل از موقوفات اختصاص یافته و سطح پایداری بناهای عام‌المنفعه، ارتباط مستقیمی وجود داشت.

۴/۲/۱. تأسیس بنا

در برخی موارد، وقف‌نامه‌ها صراحتاً برای بنا نهادن یک مسجد، حمام، یا آب‌انبار با استفاده از عواید موقوفه تنظیم شده بودند. هر چند تعداد این نوع موقوفات خیلی محدود بود، اما وجود چنین مواردی نشان می‌دهد که وقف، منبع مالی اولیه لازم برای راه‌اندازی چنین پروژه‌هایی را فراهم می‌کرد. از ۲۲ وقف‌نامه اختصاص یافته به ایجاد و پایداری بناهای عام‌المنفعه روستاها، تنها در یک مورد به تأسیس تکیه‌ای اشاره شده است. در وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۹۹ ه.ق بخش زیادی از درآمد ارضی واقع در روستای رق آباد، مزرعه حسین‌آباد نگار، اراضی مزروعی خیرآبادِ خبیص، قریه نسک بین گوگ، اراضی کهنج و برکو برای ساخت تکیه خواتون جان جنب کاروان‌سرای وکیل و تعمیرات آن وقف شده است (رضایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۶۱). در اینجا نیز، نه‌تنها ساخت تکیه، مورد نظر واقف بوده، بلکه تعمیر و نگهداری آن هم جزو موارد مصرفی بیان شده است.

۴.۲.۲. تعمیر و پایداری کالبدی بنا

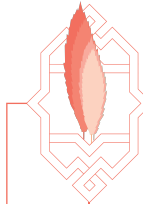
بسیاری از بناهای اختصاص یافته به بناهای عام‌المنفعه، مربوط به تعمیر و نگهداری چنین بناهایی بود. یعنی بنا از قبل وجود داشته، اما رونق و توسعه و پایداری آن به درآمد ثابت و پایداری بستگی داشت. برخی از واقفان با درک این واقعیت، بخشی از موقوفاتشان را برای تعمیر و نگهداری چنین بناهایی وقف کردند. در وقف‌نامه‌ای مربوط به

سال ۱۲۹۹ ه. ق. قسمتی از عواید وقف سه قطعه زمین در قریه شهرک اطراف کرج به «تعمیر پل، حمام و سایر وجوه مستحبه» اختصاص یافته است (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۴-۶۳). در وقفنامه دیگری در سال ۱۳۰۲ ه. ق.، «تعمیر قناتپیر و رباط و مساجد و روشنایی» به‌عنوان یکی از مصارف وقف شش دانگ روستای کرشت دماوند نام برده شده است (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۸۳). در همان سال بانویی به نام زینب‌السلطنه یک و نیم دانگ از سه دانگ قریه اسفندآباد شهریار را برای مصارف مختلف از جمله تعمیر مساجد و پل و کاروان‌سرا اختصاص داده است (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۷۱).

در بسیاری از وقفنامه‌ها، تعمیر و تجهیز مسجد به‌عنوان تنها بنای عام‌المنفعه یا یکی از این قبیل بناها در کنار دیگر بناهای عمومی موردتوجه واقفان بوده است. اما در برخی موارد، بخصوص در روستاها و مناطقی که تأمین آب اهمیت زیادی داشت، تعمیر آب‌انبار، قنات و حمام به‌عنوان تنها گزینه، موردتوجه قرار می‌گرفت. مثلاً در موارد مصرفی وقفنامه‌ای مربوط به سال ۱۲۷۰ ه. ق. آمده است: «در فصل زمستان آب دوری اکتیاع نموده و در آب‌انبار محله نرسوباد انبار شود تا مسلمانان از آن بهره ببرند و یا صرف اخراجات و تعمیرات آب‌انبار نمایند» (رضایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۰۱-۲۰۲). در نمونه دیگری در سال ۱۲۷۱ ه. ق. «تعمیر حمام قریه ابرندآباد در محله باغستان» به‌عنوان تنها مورد مصرفی موقوفه مورد نظر قرار گرفته است (عرفان فر، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۷).

در مواردی نیز قنات‌ها به‌عنوان عامل حیات‌بخش زندگی روستایی و تأمین‌کننده آب مور نیاز روستاییان، از موارد مصرفی وقف در نظر گرفته می‌شدند تا با تعمیر و آبادانی قنات، روستا و متعلقات آن از جمله بناهای عمومی توسعه پیدا کنند و پایدار بمانند. در وقفنامه‌ای مربوط به سال ۱۲۹۰ ه. ق. اولین مورد مصرفی موقوفه، مخارج قنات روستا در نظر گرفته شده است تا با آبادانی آن، سایر قسمت‌های روستا نیز پایدار بمانند (ساکما، ش ۲۹۶/۵۸۳۵).

اگر چه در مورد میزان تأثیرگذاری موقوفات بر توسعه و پایداری بناهای عام‌المنفعه اطلاع دقیق و مستندی در دست نیست؛ اما به لحاظ منطقی می‌توان ادعا کرد که بناهایی که دارای موقوفات اختصاصی و پایدار بودند، عموماً از ساختار کالبدی مستحکم‌تر و بادوام‌تری برخوردار بودند. این دوام ناشی از امکان انجام تعمیرات منظم، استفاده از مصالح بهتر در زمان ساخت اولیه (با تأمین مالی وقف)، و رسیدگی مستمر به بنا بود. در مقابل، بناهایی که فاقد پشتوانه مالی مشخص وقفی بودند، به سرعت دچار فرسودگی



شده و در معرض تخریب قرار می‌گرفتند.

۴.۳. نقش متولیان و ناظران در مدیریت عواید و اثر آن بر پایداری بنا

نحوه مدیریت عواید حاصل از موقوفات توسط متولیان و ناظران، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر میزان پایداری یا تخریب بناهای عام‌المنفعه داشت.

۴.۳.۱. مدیریت صحیح

متولیان امین و کارآمد که عواید وقف را به درستی جمع‌آوری کرده و صرف هزینه‌های مقرر (مانند نگهداری، تعمیرات، و توسعه) می‌نمودند، موجب پایداری و حتی ارتقای کیفیت بناهای موقوفه می‌شدند. این موضوع از اهمیت زیادی برای واقفان برخوردار بود، طوری که سعی می‌کردند خود و خانواده خودشان یا افراد مذهبی قابل اعتمادی را به‌عنوان متولی انتخاب کنند تا عواید حاصل از موقوفات در محل مورد نظر واقف هزینه شود. واقفان در مواردی، علاوه بر متولی، شخص دیگری را به‌عنوان ناظر انتخاب می‌کردند تا بر عملکرد متولی نظارت داشته باشد که هیچ انحرافی از موارد مقرر در وقف‌نامه صورت نگیرد. نکته دیگر اینکه، آنها معمولاً سهم متولی و ناظر از درآمد موقوفات را مشخص می‌کردند تا عواید بیشتری از موقوفات را برای خودشان برندارند. در وقف‌نامه مزرعه ماهانک در رفسنجان در سال ۱۳۰۱ ه.ق. واقف ابتدا خود را متولی معرفی کرده و بعد از آن اولاد ذکور و اگر نباشد، اناث را، و اگر از نسل واقف کسی نباشد «با فقد مطلق اولاد واقفه و انقراض تفویض به فقیه عادل ساکن بلد کرمان» بدهند و شرط کرده که تا زمانی که خود واقف، متولی است نصف درآمد را برای تعزیه سیدالشهدا و نصف دیگر را برای «مصرف خیری که در شریعت مطهر مطلوب است برساند و حق التولیه بر ندارد و سایر متولیه‌ها که از اولاد واقفه باشند شرط است که بعد از یک عشر حق التولیه خود به قراری که واقفه در زمان تولیت خود قرار داد، عمل نمایند... و چون نوبت تولیت به فقیه عادل کرمان رسد مقرر چنان است که بعد از وضع مایلزم وضع یک عشر از محصول و مداخل و منافع را حق التولیه خود داند» (ساکما، ش ۳۶۰۴۷/۹۹۹: ۳) همان‌طور که در متن وقف‌نامه روشن است، واقف با دقت و حساسیت بالایی، میزان حق التولیه را در زمان خود و بعد از آن به‌صورت دقیق مشخص کرده و محل مصرف باقیمانده درآمد را تعیین کرده، تا هیچ ابهامی در هزینه‌کرد عواید موقوفات وجود نداشته باشد. در مورد اینکه چه میزان از موقوفات دقیقاً در همان محلی که واقف تعیین کرده بود، هزینه می‌شد، اطلاعاتی در

دست نیست، اما با توجه به حساسیت واقفان در انتخاب افراد عادل و فقیه برای تولید موقوفات و نظارت بر آن‌ها و همچنین قداستی که برای موقوفات و مصارف آن که عمدتاً تعزیه و عزاداری ائمه و امور خیر بود، احتمالاً تخلف در این زمینه کمتر بوده است، البته این بدین معنا نیست که هیچ تخلفی در هزینه‌کرد درآمد موقوفات وجود نداشت و اتفاقاً برخی از اسناد، وجود برخی از این تخلفات را تأیید می‌کنند.

۴.۳.۲. سوء مدیریت یا عدم کفایت

سوءاستفاده از عواید موقوفات، عدم جمع‌آوری صحیح درآمد، یا عدم صرف آن در موارد تعیین شده، منجر به کاهش پایداری، فرسودگی بنا، و در نهایت تخریب آن می‌گردید. اسناد گاهی حاکی از اختلافات میان متولیان یا نظارت ناکافی از سوی مراجع ذیصلاح است که پیامدهای منفی برای بناهای عام‌المنفعه در پی داشته است. در سندی مربوط به سال ۱۳۱۲ ه.ش ناظر از اینکه متولی مطابق وقفنامه عمل نمی‌کرد، شکایت کرده است: «حاجی شیخ فتح‌اله شهیدی خود را متولی املاک موقوفه مسجد و مدرسه مرحومین حسینخان و حسنخان سردارین معروفین ایروان می‌داند و به هیچ وجه مطابق وقفنامه سردارین عمل نمی‌کند و مطابق مقررات قانونی وزارت جلیله وزارت معارف و اوقاف رفتار نمی‌نماید. مطابق وقفنامه متولی با نظارت اینجانب که اولاد سردارین هستم عمل نمی‌کند خودسرانه عمل می‌کند و همه املاک موقوفه را بدون مزایده به فامیل خودش می‌دهد و نصف عایدات موقوفه را زمین می‌زند ... و خود اولاد سردارین در گوشه مسجد سردارین، گرسنه برهنه می‌خوابند.» (ساکما، ش ۳۱۰/۳۵۵۲۴: ۵). با توجه به سند مزبور، متولی نصف درآمد موقوفه را برای خود و خویشاوندانش برمی‌دارد که در این صورت، مسجد و مدرسه‌ای که توسعه و پایداری خود را به درآمد موقوفات وابسته بودند، با کاهش درآمد و به تبع آن، با تخریب و ناپایداری مواجه می‌شدند.

در نمونه دیگری، نوه واقف از اینکه متولی بر خلاف مفاد وقفنامه عمل می‌کند، شکایت کرده است (ساکما، ۳۱۰/۳۵۴۶۸: ۲). وجود چنین مواردی به‌وضوح نشان می‌دهد که متولی‌ها همیشه مطابق محتوای وقفنامه عمل نمی‌کردند و بخشی از عواید موقوفات را که به تصاحب خودشان درمی‌آوردند و همین موضوع می‌توانست آثار مخربی در توسعه و پایداری

اری بناهای عام‌المنفعه‌ای که به درآمد این موقوفات وابسته بودند، داشته باشد.



۳-۳-۴. نوسان درآمد

افزایش یا کاهش درآمد حاصل از موقوفات (مثلاً به دلیل خشکسالی، تغییرات اقتصادی، یا اختلافات ملکی) نیز به‌طور مستقیم بر توانایی نگهداری و پایداری بناها تأثیر می‌گذاشت. در مواردی املاک و مزارع وقفی کمتر از ارزش خود به اجاره داده می‌شد و درآمد حاصل از آن برای تعمیر و نگهداری بناهایی که این موقوفات وابسته بودند، ناکافی می‌نمود. یا اینکه اجاره‌دار به بهانه‌های مختلف از پرداخت اجاره مورد نظر سر باز می‌زد (ساکما، ۳۰۱۰۳/۳۰: ۹). در مواردی نیز بعضی از متولیان مالکیت زمین‌های وقفی را به تصرف خود درمی‌آوردند و به همین دلیل از میزان املاک وقفی و درآمد آن کاسته می‌شد و همین موضوع در تخریب بناهای عمومی تأثیر داشت. در اسنادی مربوط به سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ ه.ش. متولی با تهیه استشهادیه محلی، مالکیت بخش‌هایی از چند روستا در اطراف قم و محلات را به تصرف خود درآورده است و وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای بررسی موضوع اقدام کرده است (ساکما، ۲۵۰/۴۶۵۲: ۴ و ۱۵).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نهاد وقف، فراتر از کارکرد مذهبی و اخلاقی خود، در نظام اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی ایران نقشی زیربنایی در شکل‌گیری و پایداری بناهای عام‌المنفعه ایفا کرده است. گرچه سهم وقف‌های روستایی اختصاص یافته به تأسیس و نگهداری این‌گونه بناها نسبتاً محدود بوده، اما همان بخش اندک توانسته است به‌مثابه محور تداوم حیات اجتماعی و اقتصادی در روستاها عمل کند. بررسی ۳۸۰ وقف‌نامه از دوره‌های قاجار و پهلوی اول نشان داد که موقوفاتی که از درآمد مشخص و نظام مدیریتی منظم برخوردار بودند، موجب دوام بناهایی چون مسجد، حمام، قنات، آب‌انبار و مکتب‌خانه شدند؛ درحالی‌که بناهای فاقد پشتوانه مالی وقفی یا تحت سوءمدیریت، بیشتر در معرض فرسایش و زوال قرار گرفتند.

در شرایطی که حکومت مرکزی در تأمین زیرساخت‌های روستایی کم‌توجه بود، درآمد حاصل از موقوفات در دو بُعد مالی و مدیریتی نقشی مؤثر در توسعه (احداث) و پایداری (نگهداری و تعمیر) بناهای عام‌المنفعه داشت. از منظر کالبدی، عواید پایدار موقوفات باعث تأمین مصالح بهتر، انجام تعمیرات منظم و افزایش عمر مفید بناها می‌شد. از منظر مدیریتی نیز، حسن نظارت و کارآمدی متولیان وقف، عامل تعیین‌کننده‌ای در حفظ یا نابودی این بناها بود؛ به‌طوری‌که ضعف در نظارت یا انحراف در هزینه‌کرد درآمدها منجر به تخریب تدریجی بناهای وابسته می‌گردید.

در نتیجه، وقف در تاریخ ایران نه‌تنها سازوکاری دینی و فرهنگی بلکه ابزاری اقتصادی و مدیریتی کارآمد در تحقق توسعه پایدار روستاها محسوب می‌شود. تداوم این نقش در عصر حاضر منوط به احیای سنت وقف در سطح محلی، شفاف‌سازی نظام تولیت و نظارت، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وقف در پشتیبانی از زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق روستایی است. این نهاد مردمی می‌تواند به‌عنوان الگوی بومی توسعه پایدار برای جوامع کم‌برخوردار مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، کمبود اطلاعات دقیق درباره میزان هزینه‌های نگهداری بناها در مقایسه با درآمد موقوفات بوده است.

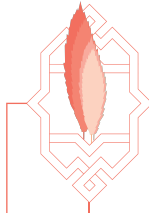
برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود مطالعات مشابهی با تمرکز بر دوره‌های تاریخی دیگر، مناطق جغرافیایی وسیع‌تر، یا انواع دیگر بناهای عام‌المنفعه (مانند پل‌ها،



بازارچه‌ها) صورت پذیرد. همچنین، بررسی چگونگی تأثیر مقررات دولتی (مثلاً در دوره پهلوی) بر مدیریت و بقای موقوفات عام‌المنفعه در روستاها می‌تواند موضوعی ارزشمند باشد. برای سیاست‌گذاری نیز با توجه به نقش تاریخی وقف، بازنگری و تقویت سازوکارهای قانونی و اجرایی مربوط به وقف، به‌ویژه در مناطق روستایی، و همچنین ارتقای سطح نظارت بر عملکرد متولیان، می‌تواند به حفظ و احیای بناهای عام‌المنفعه کمک کند.

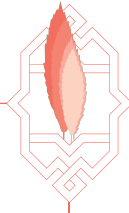
کتاب نامه

- حاجی عباسی، سعید، امید رضایی و محمدجواد جعفرپور (۱۳۸۷). *اسناد موقوفات ایران*: اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه: استان ایلام، سیستان و بلوچستان، قزوین و کهگیلویه و بویراحمد. ج ۶. تهران: اسوه.
- رضایی، امید (۱۳۸۲). *فهرست اسناد موقوفات ایران*: اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه (مندرجات استان کرمان). ج ۲. تهران: اسوه.
- رضایی، امید (۱۳۸۶). *فهرست اسناد موقوفات ایران* (تهران و توابع از آغاز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷). ج ۴. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه‌ی فرهنگ وقف.
- عتیقی، عبیدالله (۱۳۸۸). *فرهنگ اصطلاحات وقف*. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عرفان فر، محمدجواد (۱۳۸۷). *فهرست اسناد موقوفات یزد*. ج ۱. یزد: سازمان اوقاف.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. چاپ چهارم. تهران: دادگستر.
- معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین* (یک‌جلدی). تهران: معین.
- مصطفوی رجالی، مینو دخت (۱۳۵۱). *وقف در ایران*. بی‌جا: بی‌نا.
- اسناد
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش ۲۳۰/۳۰۱۰۳: ۹.
- _____، ش ۳۱۰/۳۵۴۶۸: ۲.
- _____، ش ۳۱۰/۳۵۵۲۴: ۵.
- _____، ش ۹۹۹/۳۶۰۴۷: ۳.
- _____، ش ۲۵۰/۴۶۵۲: ۴ و ۱۵.
- _____، ش ۲۹۶/۵۸۳۵: ۲.
- _____



سند شماره ۱: وقفنامه مزرعه ماهانک در فرسنجان

منبع: (ساکما، ش ۳/۳۶۰۴۷/۹۹۹۹).



سند شماره ۳: موقوفه قربتین خمسه و شنه از توابع قم



منبع: (ساکما، ۴۶۵۲/۲۵۰: ۱۵).